

کد کنترل

101

D



101D

نام:
نام خانوادگی:

محل امضا:



«اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می‌شود.»
امام خمینی (ره)

صبح جمعه

۱۳۹۶/۱۲/۴

دفترچه شماره (۱)

جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه‌متمرکز) - سال ۱۳۹۷

رشته زبان و ادبیات فارسی (کد ۲۱۰۱)

مدت: پاسخگویی: ۱۲۰ دقیقه

تعداد سؤال: ۱۰۰

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	مجموعه دروس تخصصی: کلیات ادبی (تاریخ ادبیات، دستور، عروض و قافیه، نثر و نظریه‌های ادبی معاصر) - متون نظم و نثر - زبان عربی - متون نظم - متون نثر - بلاغت	۱۰۰	۱	۱۰۰

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

این آزمون نمره منفی دارد.

حق چاپ، تثیر و انتشار سؤالات به هر روش و با هر وسیله پس از برقراری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی آنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد و به متقلبین بابت هرگز و باطل می‌باشد.

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات جدول ذیل، به منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب با شماره داوطلبی در جلسه این آزمون شرکت می‌نمایم.

امضا:

■ ■ عَيْنِ الْأَصْحٰ و الْأَقْ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ أَوْ التَّعْرِيبِ (١ - ٩)

۱- ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ، إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾:

(۱) چیزی را که علم آن را نداری دنبال مکن، چه گوش و چشم و دل همگی و بطور جمعی پاسخگوی آن خواهند بود!

(۲) بر آنچه بدان وقوف نداری تکیه مکن، زیرا شنوایی و بینایی و قلب تو جمعاً در مورد آن سؤال خواهند شد!

(۳) از آنچه بدان علم نداری پیروی مکن، چه هر یک از گوش و چشم و دل در مورد آن پاسخگو می‌باشند!

(۴) بر چیزی که نمی‌دانی توقف مکن، زیرا شنوایی و بینایی و قلب همگی مسؤول آن خواهند بود!

۲- «إِنْ أَقْعَدَ أَحَدًا مِنْكُمْ الْكِبَرَ عَنْ مَكْسَبِهِ وَ لِقَاءِ إِخْوَانِهِ، فَزُرُودْ وَ عَظِّمُوهُ وَ اسْتَظْهَرُوا بِفَضْلِ تَجْرِبَتِهِ»:

(۱) اگر کسی از بین شما بخاطر کبر و خودخواهی از کسب روزی باز ایستاد، پس شما او را دیدار کنید و کارش را بزرگ دارید و تجربه‌اش را آشکار کنید!

(۲) چنانچه کسی از شما در بزرگسالی از کار کردن و دیدار دوستان ناتوان شد، شما او را دیدار کنید و به بزرگداشت او بپردازید و از تجربه‌اش استفاده کنید!

(۳) اگر کهولت سن کسی را از بین شما از کار و کسب و دیدار یارانش بازداشت، به دیدارش بروید و بزرگش دارید و از نعمت تجربه‌اش کمک بگیرید!

(۴) چنانچه کسی را کهنسالی از کسب روزی ناتوان کرد و از دیدار برادران منع نمود، پس او را ببینید و بزرگ بدارید و بخاطر تجربه عظیمش یاریش کنید!

۳- « أَعُوذُ وَصَلٍ، كَانَ يُنْسِي طَوْلَهَا نَكَرَ النَّوَى، فَكَأَنَّمَا أَيْتَامٌ:»

- ۱) سالهای وصلی که یاد فراق، طولانی بودن آن را از یاد می‌برد، گویی که آن سالها روزهایی بیش نبودند!
- ۲) یاد لحظه‌های فراق سالیان پیوند و آشنایی را کوتاه می‌کند، گویی که آن سالها در چشم من بیش از چند روز نبوده‌اند!
- ۳) به خاطر آوردن جدایی طول مدت آشنایی و وصل را محو می‌کند، انگاری که تمام آن سالها طی چند روز اتفاق افتاده است!
- ۴) سالهای وصل را بخاطر می‌آورم، یاد جدایی از آن سالها مدت طولانی را از ذهن پاک می‌کند، مثل این است که روزها گذشته است!

۴- « وَ نُكْرِمُ جَارِنَا مَادَامَ فِينَا وَ نُتَبِعُهُ الْكَرَامَةَ حَيْثُ مَالَا!»:»

- ۱) همسایه خود را مادام که بین ما است اکرامش می‌کنیم، و هر کجا برود کرامت خویش را به دنبال او روانه می‌سازیم!
- ۲) همسایه را تا وقتی در بین ما اقامت دارد احترام می‌کنیم، و چون از ما رویگردان شود باز هم او را اکرام می‌کنیم!
- ۳) هر کس را که به ما جور کند نیز مورد مکرمات خود قرار می‌دهیم، و به هر جا روی بیاورد کرم خویش را در پی او می‌فرستیم!
- ۴) آن کس را که در جوار ما بسر می‌برد در معرض احترام قرار می‌دهیم، و چون به سمتی روانه شود با اکرام به دنبال او می‌رویم!

۵- عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) إِلَى اللَّهِ أَشْكُو مِنْ مَعْشَرٍ يَعِيشُونَ جَهْلًا وَ يَمُوتُونَ ضَلَالًا،: من از گروهی که نادان زیست می‌کنند و گمراه می‌میرند، به الله شکایت می‌کنم،
- ۲) لَيْسَ فِيهِمْ سَلْعَةٌ أَبُورَ مِنَ الْكِتَابِ إِذَا تَلَّى حَقَّ تِلَاوَتِهِ،: نزد آنان کالایی بی‌رونق‌تر از قرآن نیست هرگاه انطور که شایسته آن است تلاوت گردد،
- ۳) وَ لَا سَلْعَةٌ أَغْلَى ثَمَنًا مِنَ الْكِتَابِ إِذَا حُزِفَ عَنْ مَوَاضِعِهِ،: و نه کالایی گران‌بهارتر از قرآن است هرگاه از مواضع خود تحریف گردد،
- ۴) وَ لَا عِنْدَهُمْ أَنْكَرٌ مِنَ الْمَعْرُوفِ وَ لَا أَعْرَفُ مِنَ الْمُنْكَرِ!: و منکرتر از امر به معروف نزد آنان نیست و جز منکر از آنان نمی‌شناسم!

۶- « وَ مَا كُنْتُ مَعَنَ أَدْرِكُ الْمَلِكَ بِالْمُنَى وَ لَكِنْ بِأَيَّامِ أَشْبَنِ النَّوَاصِبِ! ». عَيْنُ الْأَقْرَبِ إِلَى مَفْهُومِ النَّبِيتِ:

- | | |
|-------------------------------------|-------------------------------------|
| ۱) ای مسیح خوش نفس چونی ز رنج | که نبود اندر جهان بی رنج گنج! |
| ۲) عمر بگذشت و ندیدیم به خود روزبهی | تا به کی ای فلک، این دور مکرر دیدن! |
| ۳) موی سپید را فلکم به رایگان نداد | این رشته را به نقد جوانی خریده‌ام! |
| ۴) خواب نوشین بامداد رحیل | باز دارد پیاده را ز سبیل! |

۷- « إِنْ كَانَ لَا يُغْنِيكَ مَا يَكْفِيكَ فَكُلْ مَا فِي الْأَرْضِ لَا يُغْنِيكَ! ». عَيْنُ مَا لَإِنْسَابٍ مَفْهُومُ اثْبِت:

- (۱) گدا را کند یک درم سیم سیر
- (۲) گفت چشم تنگ دنیا دوست را
- (۳) گنج زر گر نبود گنج قناعت بر پاست
- (۴) روده تنگ به یک نان جوین پر گردد
- فریدون به ملک عجم، نیم سیر!
- یا قناعت پر کند یا خاک گور!
- آنکه آن داد به شاهان، به گدایان این داد!
- نعمت روی زمین پر نکند دیده تنگ!

۸- « زنه‌ار از اینکه در بین مردم چون حیل‌ه‌گران زندگی کنید و در بین مسلمین تفرقه بیفکنید! »: عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) إِيَّاكُمْ وَ الْمَعِيشَةَ بَيْنَ النَّاسِ كَعِيشِ الْمَاكِرِينَ، وَ أَنْ تَفْرَقُوا بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ!
- (۲) إِيَّاكُمْ إِيَّاكُمْ أَنْ تَعِيشُوا بَيْنَ النَّاسِ عِيشَةَ الْمَاكِرِينَ وَ تَشَقُّوا عَصَا الْمُسْلِمِينَ!
- (۳) حَذَارُ مِنَ الْعِيشِ بَيْنَ الْأَنْامِ كَمَا يَعِيشُهُ الْمُحْتَالِينَ وَ أَنْ لَا تَشَقُّوا عَصَا الْمُسْلِمِينَ!
- (۴) أَحْذَرُكُمْ مِنْ أَنْ تَعِيشُوا بَيْنَ الْأَنْامِ عِيشَ الْمُحْتَالِينَ وَ أَنْ تَبْثُوا الْفِرْقَةَ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ!

۹- « برخی از صنایع ادبی در ضرب‌المثل‌های عربی نفوذ کرده بود، اما در تمام آنها عمومیت نداشت، بلکه بسیاری از این ضرب‌المثل‌ها خالی از هر نوع فنّ و بیانی بود، زیرا ضرب‌المثل‌ها عادتاً در زبان محاوره رایج است! ». عَيْنُ الصَّحِيح:

- (۱) كَانَتْ قَدْ تَسَرَّيْتَ الْأَمْثَالَ الْعَرَبِيَّةَ فِي الْمَجْتَمَعِ الْعَرَبِيِّ دُونَ بَعْضِهِ، وَ الْأَمْثَالَ الْأَدَبِيَّةَ هَذِهِ كَثِيرًا مَا كَانَتْ خَالِيَةً عَنِ الْفَنِّ وَ الْبَيَانِ، وَ كَانَتْ تَسُودُ فِي لُغَةِ التَّحَاوُرِ كَالْعَادَةِ!
- (۲) بَعْضُ الصَّنَائِعِ الْأَدَبِيَّةِ كَانَتْ قَدْ تَسَرَّيْتَ فِي الْأَمْثَالَ الْعَرَبِيَّةِ، وَ لَكِنَّهَا لَا تَعَمُّ كُلَّهَا، بَلْ كَثِيرٌ مِنْ هَذِهِ الْأَمْثَالَ كَانَتْ مَغْسُولَةً مِنْ كُلِّ فَنٍّ وَ بَيَانٍ، لِأَنَّ الْأَمْثَالَ تَجْرِي فِي لُغَةِ التَّخَاطُبِ عَادَةً!
- (۳) مِنَ الصَّنَائِعِ الْأَدَبِيَّةِ مَا كَانَتْ تَنْفُذُ فِي الْأَمْثَالَ الْعَرَبِيَّةِ، وَ لَكِنْ لَا تَشْمَلُ كُلَّ ذَلِكَ، بَلْ كَثِيرًا مَا كَانَتْ الْأَمْثَالَ تَضْرِبُ دُونَ أَيِّ فَنٍّ وَ بَيَانٍ، لِأَنَّ الْأَمْثَالَ هَذِهِ جَارِيَةٌ فِي لُغَةِ الْحَوَارِ كَالْعَادَةِ!
- (۴) كَانَتْ الصَّنَائِعِ الْأَدَبِيَّةِ تَدْخُلُ فِي أَمْثَالَ اللَّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ، وَ لَكِنَّهَا لَا تَوْجَدُ فِي كُلِّهَا، بَلْ الْأَمْثَالَ الْعَرَبِيَّةُ كَانَتْ تَخْلُو مِنَ الْفَنِّ وَ الْبَيَانِ كَثِيرًا، وَ عَامَّةُ النَّاسِ تَسْتَفِيدُ مِنْهَا فِي لُغَتِهَا الدَّارِجَةِ عَادَةً!

■ ■ عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّمْشِكِيلِ (۱۰ و ۱۱)

۱۰- عَيْنُ الصَّحِيح:

- (۱) إِنَّمَا مِنْ عَلَامَاتِ الْفَقْهِ الْجَلْمِ وَ الصَّمْتِ!
- (۲) الثَّوَاضِعُ أَنْ تُعْطِيَ النَّاسَ مَا تُحِبُّ أَنْ تُعْطَاهُ!
- (۳) مَنْ أَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ رُضِيَ بِهِ حَكْمًا بَغَيْرِهِ وَ لَا شَكَّ فِيهِ!
- (۴) الْعَامِلُ عَنْ غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالْمَائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ، لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ الْمَشِيرِ إِلَّا الْبُعْدَ!

۱۱- عین الخطأ:

- (۱) إِنَّ الَّذِينَ لَمْ يَهْتَبُوا الْخُبَّ أَجْنَحَةً لَا يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يَطِيرُوا إِلَى مَاوراءِ الْغُيُومِ،
- (۲) لِيَزُوا ذَلِكَ الْعَالَمَ السَّحَرِيَّ الَّذِي طَافَتْ فِيهِ رُوحِي فِي تِلْكَ السَّاعَةِ الْمُحْزَنَةِ،
- (۳) إِنَّ الَّذِينَ لَمْ يَتَّخِذُوا الْخُبَّ أَثْبَاعًا لَا يَسْمَعُونَ الْخُبَّ مُتَكَلِّمًا،
- (۴) فَهَمْ وَ إِنَّ فَهَمُوا مَعَانِي هَذِهِ الصَّفَحَاتِ الضَّئِيلَةِ لَا يُمْكِنُهُمْ أَنْ يَرَوْا مَا وَرَاءَ ذَلِكَ!

■ ■ عین الصحیح عن الإعراب و التحلیل الصرفی (۱۲ - ۱۵)

۱۲- ﴿ ذَلِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مَهْلِكُ الْقَرْيِ بِظُلْمٍ وَ أَهْلِهَا غَافُونَ ﴾:

- (۱) أن: مخففة «أن» المشبهة بالفعل، اسمها ضمير الشأن، و الجملة اسمية و خبر للمبتدأ «ذلك»
- (۲) أهل: اسم جمع، و مرفوع على الابتداء، و الجملة اسمية و حالية، و صاحب الحال «مهلك» و الرابط ضمير «ها»
- (۳) يكن: فعل مضارع و مجزوم بحرف لم، و علامة جزمه حذف حرف العلة؛ من الأفعال الناقصة و اسمه «رب»
- (۴) القرى: جمع تكسير (مفردة: قرية، مؤنث)، مضاف إليه و مجرور محلاً في اللفظ، و في المعنى نائب فاعل لثبته الفعل «مهلك»

۱۳- ﴿ أَتَوْنِي زِيرَ الْحَدِيدِ حَتَّى إِذَا سَاوَى بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ اتْفَخُوا حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ أَتَوْنِي أَفْرَغَ عَلَيْهِ قَطْرًا ﴾. عین الصحیح:

- (۱) ساوى: فعل ماضٍ من باب مفاعلة و لفيف مقرون، و فاعله الضمير المستتر فيه جوازاً تقديره «هو» و الجملة فعلية و في محل نصب على الظرفية!
- (۲) آتوا (الأولى): فعل أمر من المجزء الثلاثي، معتل و ناقص (إعلاله بالحذف)، و مبني على حذف نون الإعراب
- (۳) قطراً: متنازع عليه، و هو إما مفعول ثانٍ لفعل «آتوا» أو مفعول لفعل «أفرغ» و العامل الآخر مستغن عن المعمول
- (۴) أفرغ: متنازع عليه، مجزء ثلاثي و جواب طلب و مجزوم على أنه جواب لشرط محذوف مع أدواته

۱۴- «ما منوم المتأني» و «ما مشكورون البخلاء». عین الصحيح عن الكلمتين «المتأني» و «مشكورون»:

(۱) صفة مشبهة على وزن اسم الفاعل، مبتدأ مؤخر و مرفوع بضمة ظاهرة / اسم «ما» شبيه بليس و مرفوع بالواو

(۲) اسم فاعل و مصدره «تأني» و نائب فاعل لشبه الفعل «ملوم» / اسم مفعول و خبر مقدم و مرفوع بالواو

(۳) فاعل لشبه الفعل «ملوم» و مرفوع بضمة مقترنة / صفة مشبهة و هو «فعل» بمعنى مفعول، و مبتدأ و مرفوع

(۴) مشتق و اسم فاعل و مصدره «تأن» و مرفوع بضمة مقترنة / مشتق و اسم مفعول و شبه الفعل و فاعله «البخلاء»

۱۵- «عليكم بالتواصل و التبادل، و إياكم و التدابر و التقاطع!». عین الصحيح عن إعراب «عليكم» و «إياكم»:

(۱) شبه جملة و خبر مقدم وجوبا / محذّر منه و مبتدأ و مرفوع محلاً

(۲) جار و مجرور و محذّر منه / اسم فعل مرتجل و فاعله ضمير «كم» البارز

(۳) اسم فعل منقول من الجار و المجرور / مفعول به لفعل محذوف من باب التحذير

(۴) مفعول به لفعل محذوف من باب الإغراء / محوّل من الضمير المتّصل لتعذر تفرّده

■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۱۶-۲۰)

۱۶- عین الخطأ عن صيغة الأسماء التي أشير إليها بخط:

(۱) ﴿ قالوا معذرة إلى ربكم ﴾ (مصدر ميمي)

(۲) سَبَّحَ اللهُ تَسْبِيحَةً (اسم النوع أو الهيئة)

(۳) ﴿ يظنون بالله غير الحق ظن الجاهلية ﴾ (مصدر صناعي)

(۴) أطلب الإجابة عند اقشعرار الجلد و عند إفاضة العبرة! (مصدر رباعي مزيد)

۱۷- عین اسم الفعل بمعنى الأمر:

(۲) هيهات الذلّة منّا!

(۱) مه، ما هذا الفضول!

(۴) سنّان ما بين المجتهد و الكسلان!

(۳) بخّ لك على هذا التقدّم!

۱۸- عین ما ليس فيه حرف جر زائد:

(۱) ﴿ أليس الله بأحكم الحاكمين ﴾

(۲) ﴿ و ما الله بغافل عما تعملون ﴾

(۳) ﴿ ما ترى في خلق الرحمن من تفاوت ﴾

(۴) ﴿ كتاب أنزلناه إليك لتخرج الناس من الظلمات إلى النور ﴾

۱۹- عَيْنُ الْخَطَا (في العدد):

- (۱) إِنَّهُ أَتَى لَنَا بِمِائَةِ دَلِيلٍ وَ نَيْفٍ لِيُثَبِّتَ مَدْعَاهُ!
- (۲) لَهُ سِتٌّ وَ نَيْفٌ مِنَ الْمَقَالَاتِ الْعِلْمِيَةِ الْبَارِعَةِ!
- (۳) يَدْرُسُ فِي كَلِيتِنَا أَلْفٌ وَ نَيْفٌ مِنَ الطَّلِبَةِ وَ الطَّالِبَاتِ!
- (۴) كَانَ يَطَالِبُنَا مِنَ الْأَجْرَةِ تَسْعِينَ وَ نَيْفًا مِنَ التُّومَانَاتِ!

۲۰- عَيْنُ الْخَطَا فِي إِعْرَابِ الْمُسْتَثْنَى:

- (۱) مَا نَجَحَ مِنْ طَالِبَاتٍ صَفْنَا إِلَّا عَشْرِينَ مِنْهُنَّ!
- (۲) لَمْ يَبْقَ فِي الصَّفِّ إِلَّا خَمْسَةٌ وَ عَشْرِينَ مِنَ الطَّلِبَةِ!
- (۳) لَنْ يَفُوزَ فِي السَّبَاقِ إِلَّا هَؤُلَاءِ الْمُتَابِرُونَ فِي التَّدْرِيبِ!
- (۴) لَمْ يَفِزْ فِي سَبَاقِ الْعَامِ الْمَاضِي إِلَّا الْمُتَابِرُونَ وَ الْمُتَابِرَاتُ!

۲۱- بیت زیر به چه نکته‌ای اشاره دارد؟

«لم يذق لم يدر» هرکس کاو نخورد کی به وهم آرد جعل انفاس ورد

- (۱) معرفت مستلزم قابلیت است.
- (۲) کوشش مقدمه چشش است.
- (۳) بیمار دل از بوی خوش بی‌نصیب است.
- (۴) معرفت مقدمه ایمان است.

۲۲- معنی بیت زیر کدام مورد است؟

«شرط من جاء الحسن نه کردن است این حسن را سوی حضرت بردن است»

- (۱) شرط تحقق عمل صالح، دوری از ریا و خلوص نیت است.
- (۲) شرط انجام حسنه نفی ماسوی و پذیرش حق و رفتن به سوی خداوند است.
- (۳) صرف انجام دادن فعل، ملاک نیست، بلکه حقیقت عمل باید به خداوند برسد.
- (۴) شرط دستیابی به اجر و پاداش الهی در انجام عمل، خود را در بارگاه الهی دیدن است.

۲۳- مفهوم بیت زیر چیست؟

«هر که محراب نمازش گشت عین سوی ایمان رفتنش می‌دان تو شین»

- (۱) کسی که توفیق عبادت یافت، بحث از ایمانش نابجاست.
- (۲) آن‌که در محراب نماز به مقام مشاهدت رسید، از بند ایمان برخاست.
- (۳) آن‌که محراب نمازش به شوائب آلوده است، ادعای ایمان سزاوار او نیست.
- (۴) کسی را که درجه مشاهدت حاصل شده باشد، باقی ماندن در ایمان، نقص اوست.

۲۴- مضمون بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

«اصبع لطف است و قهر و در میان کلک دل با قبض و بسطی در بنان»

- (۱) دل عامل قبض و بسط است.
- (۲) بنان در میان لطف و قهر سرگردان است.
- (۳) کشتی دل غرق دریای قبض و بسط است.
- (۴) دل مانند فلمی است در دست لطف و قهر الهی.

۲۵- مقصود از کاربرد «هرآ» در کدام بیت، با بقیه متفاوت است؟

- (۱) سلطان یک سواره گردون به جنگ دی
 (۲) تو را امان ز امل به که اسب جنگی را
 (۳) بر در مرقد سلطان هوی ز ابلق چرخ
 (۴) زان رخس جوزا یاردم چون جوزهر برسته دم

۲۶- مفهوم کلی بیت زیر، با کدام گزینه شباهت دارد؟

- «کرده‌اند از زاده مریخ عقرب‌خانه‌ای
 (۱) طاووس بین که زاغ خورد وانگه از گلو
 (۲) تبرش زحل بسوزد کز کام حوت گردون
 (۳) تبغ او خواهد گرفتن روم و هند از بهر آنک
 (۴) سعد ذابح بهر قربان نیغ مریخ اخته

۲۷- مفهوم کلی بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

- «صد عنایت‌نامه گردون حنا بر کرده گیر
 (۱) تقدیر بر تدبیر غالب است.
 (۲) قضای آسمانی، مؤید حکم نوست.
 (۳) همیشه تقدیر و تدبیر موافق نیستند.
 (۴) قضای آسمانی، در برابر حکم تو هیچ است.

۲۸- معنی ترکیب «آب دندان» موجود در بیت زیر با «آب دندان» کدام بیت مترادف است؟

- «اگر آب دندان بود میزبان
 (۱) لبانت آب دندان در برابر
 (۲) چون چغندر نوعی مسکین نمی‌بیند به خواب
 (۳) حریفی زهره طبع و آب دندان
 (۴) حادثه در نرد درد و فتنه در شطرنج رنج

۲۹- مفهوم بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

- «ز آتش دل چو سوخت آب نهاد
 (۱) وقتی از سویدای دل آهی کشید، مقام او به افلاک رسید.
 (۲) چون آتش دل او آه از نهاد او برآورد، از همه هستی دست کشید.
 (۳) وقتی آب بر آتش هوی و هوس ریخت، چرخ زیر فرمان او درآمد.
 (۴) چون انانیت خویش را با آتش عشق سوزاند، باد تحت فرمان او درآمد.

۳۰- معنای بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

- «بشناسی ز راه دیده روح
 (۱) ارتزاق از حق چون در رسد، دین حقیقی آغاز می‌شود.
 (۲) فتوح چون دست دهد چشم دل صوفی را روشن می‌گرداند.
 (۳) چون صوفی بر شیطان نفس غالب شود، چشم دلش بینا می‌شود.
 (۴) چون فتوح الهی در رسد، به چشم جان حقیقت دین را درخواهی یافت.

باز مریخ زحل خور در میان افشاندند
 گاورس ریزه‌های منقاً برافکند
 بر قبضه کمانش دندان تازه بینی
 ابن دو جا را هست مریخ و زحل فرمانروا
 جرم کیوانش چو سنگ مگی افسان دیده‌اند

چون ز دیوانت به جان کردند خصمی را برات
 (۲) قضای آسمانی، مؤید حکم نوست.
 (۴) قضای آسمانی، در برابر حکم تو هیچ است.

بدان شهر خرم دو هفته بمان
 پیایی کرده جام می سراسر
 سخت از وی آرزوی آب دندان مضحک است
 چو خورشید آتشین چون صبح خندان
 بدسگالت را حریف آب دندان یافته

خاک بر دوش باد چرخ نهاد

۳۱- تلقی شاعر از عقل در کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) عقل کانجا رسید سر بنهد
(۲) خرد از تو تویی برد جاوید
(۳) هر کجا نطق عقل برزد دم
(۴) عقل برتر ز وهم و حس و قیاس
- مرغ کانجا پربد پر بنهد
اب را در هوا کشتد خورشید
حرف و آواز درخزد به عدم
برتر است از فنک، ستاره‌شناس

۳۲- با توجه به بیت زیر، کدام گزینه مراد شاعر را بیان می‌کند؟

«چون شود حکمت قدم ساقی
تو کنی اختیار در باقی»

- (۱) اگر حکمت الهی را اختیار کنی جاودانه خواهی شد.
(۲) اگر از حکمت الهی نصیب ببری، بقا را اختیار خواهی کرد.
(۳) اگر از حکمت الهی برخوردار شوی اختیار خود را رها خواهی کرد.
(۴) اگر ساقی تو حکمت قدم باشد باقی عمر را به اختیار خواهی زیست.

۳۳- بیت زیر با کدام گزینه تناسب معنایی دارد؟

- «در میان است هر که را هستی است
(۱) هیچ است آن دهان و بینم از او نشان
(۲) از بی ضعف میان حرز چه جویی ز من
(۳) میان او که خدا آفریده است از هیچ
(۴) هیچ اگر بینمی شکل میان تو را
- از پی نیستی میان تو را
موی است آن میان و ندانم که آن چه موست
خدمت خسرو نه بس حرز میان تو را
دقیقه‌ای است که هیچ آفریده نگشاده است
جان نهمی بر میان، بهر میان تو را

۳۴- در بیت زیر، «کسی را با کسی در کمر کردن» کنایه از چیست؟

- «بست موری را کمر چون موی سر
(۱) دو کس را به هم نزدیک کردن.
(۲) از کسی در مقابل دیگری دفاع کردن.
(۳) دو کس را در مقابل هم قرار دادن.
(۴) کسی را به خدمتگزاری دیگری واداشتن.

۳۵- مفهوم بیت زیر، در کدام گزینه آمده است؟

«هیچ چیز از بی‌نهایت بی‌شکی
چون به سر ناید کجا ماند یکی»

- (۱) از بی‌نهایت هیچ چیز آشکار نمی‌شود چه برسد به کسی یا چیزی.
(۲) چون هیچ چیز، خارج از بی‌نهایت نیست، غیر او چیزی وجود ندارد.
(۳) هیچ چیز از بی‌نهایت جدا نیست پس آن وجود واحد در کجا قرار می‌گیرد؟
(۴) هر چیز از بی‌نهایت صادر می‌شود پس تصور موجودی مستقل جدای از او ممکن نیست.

۳۶- کدام مورد برای معنای بیت زیر درست است؟

«هم ز «أفضاکم علی» جان آگاه است
هم علی مفسوس فی ذات الله است»

- (۱) جان علی از عدل آگاهی دارد و او محو جمال الهی است.
(۲) علی نیک داورترین شما و دلشده ذات خداوند است.
(۳) جان از قضاوت عادلانه آگاه است و عدل از صفات ذات الهی است.
(۴) جان آدمی از قضای الهی آگاهی دارد هم‌چون علی که از ذات او آگاه است.

۳۷- اشارت کدام بیت در نصّ قرآن کریم نیست؟

- (۱) چه گویم آن خط سبز و دهان شیرین را
- (۲) هرکه امروز نبیند اثر قدرت او
- (۳) اگر سبینه شعرم روان بود نه عجب
- (۴) سزد که روی عبادت نهند بر در حکمش

۳۸- مفهوم کدام بیت درست است؟

- (۱) ایها الناس جهان جای تن آسانی نیست
جهان قدر مردان دانا را نمی‌داند.
- (۲) چه سود ریزش باران و عطر بر سر خلق
نصیحت تنها برای خاموشان سودمند است.
- (۳) امثال ما به سخنی و تنگی نمرده‌اند
سختی‌ها و تنگی‌های روزگار خلعت مردان خداست.
- (۴) به خاک پای تو ماند یمین غیر مکفر
قسم مؤمنان به خاک پای تو نشان شناخت راستی است.

۳۹- مفهوم بیت عربی زیر، در کدام گزینه آمده است؟

- «وَالله لَمْ أَشْمَتْ بِهٖ فَاكُلْ رَهْنٌ يُّلَمَّمَاتٍ
- (۱) پس مرگ آن کس نباید گریست
 - (۲) فراموش کردی مگر مرگ خویش
 - (۳) گر از خاک مردان سبویی کنند
 - (۴) مکن شادمانی به مرگ کسی

۴۰- کدام بیت از تباط معنایی کمتری با ابیات دیگر دارد؟

- (۱) هنوزش آفتاب از ابر پاک است
- (۲) هنوزش گرد گل نارسه شمشاد
- (۳) هنوزش پر یغلق در عقاب است
- (۴) هنوز از عشق‌بازی گرم داغ است

۴۱- مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

- (۱) به مأمنی رو و فرصت شمر بقیت عمر
- (۲) باده خور غم مخور و پند مقلد متیوس
- (۳) دسترنج تو همان به که شود صرف به کام
- (۴) برو به هر چه تو داری بخور دریغ مخور

۴۲- با توجه به بیت زیر مفهوم «شرب الیهود» در کدام گزینه آمده است؟

- «حوال شیخ و قاضی و شرب الیهودشان
- (۱) دانی که چنگ و عود چه تقریر می‌کنند
 - (۲) ساقی حدیث سرو و گل و لاله می‌رود
 - (۳) نگویمت که همه ساله می‌پرستی کن
 - (۴) می‌خور که هر که آخر کار جهان بدید
- کردم سؤال صبحدم از پیر می‌فروش»
پنهان خورید باده که تفریر می‌کنند
وین بحث با ثلاثه غساله می‌رود
سه ماه می‌خور و نه ماه پارسا می‌باش
از غم سبک برآمد و رطل گران گرفت

۴۳- مفهوم اصلی بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

«صداع هستی ما را علاج تسلیم است
بس است صندل اگر سوده‌ایم پیشانی»

- (۱) بیماری نفس را باید با رام کردنش علاج کرد.
- (۲) فقط با سجده تسلیم است که می‌توان از دردسر انانیت رست.
- (۳) هستی رنج‌آور است و فقط تسلیم آدمی از رنجش می‌کاهد.
- (۴) باید تسلیم درد وجود شد زیرا تقدیر و پیشانی نوشت آدمی است.

۴۴- با توجه به نوع رابطه معنایی «نفس و آینه» کدام بیت با بیت‌های دیگر متفاوت است؟

- (۱) برگشت ز لب، جان به تن خسته دگر بار
- (۲) امروز نیست غیر دل بی‌غبار ما
- (۳) دل من تیره ز بسیاری گفتار شده‌ست
- (۴) حیرت حسن تو از هوش، چمن را برده‌ست
- (۱) تا روی تو آینه مرا پیش نفس داشت
- (۲) آینه‌ای که پیش نفس می‌توان گرفت
- (۳) زین پریشان نفس آینه من تار شده‌ست
- (۴) شبنم آینه به پیش نفس گُل دارد

۴۵- با توجه به ویژگی صبا، کدام بیت با بیت‌های دیگر متفاوت است؟

- (۱) چون صبا با تن بیمار و دل بی‌طاقت
- (۲) کاهل روی چو باد صبا را به بوی زلف
- (۳) به هر دو گام صبا دم زند سه جای هنوز
- (۴) اندر آن ساعت که بر پشت صبا بندند زین
- (۱) به هواداری آن سرو خرامان بروم
- (۲) هر دم به قید سلسله در کار می‌کشی
- (۳) ز ناتوانی بر وی همی فتد خفقان
- (۴) با سلیمان چون برانم من که مورم مرکب است؟

۴۶- معنی دقیق بیت زیر از کدام گزینه، استنباط می‌شود؟

«بی‌درد و غم عشق گرامی نشود دل
از گرد یتیمی، پی تعمیر گهر باش»

- (۱) همچنان که ارزش مروارید به یتیمی او در صدف است، ارزش دل نیز به تحمل غم عشق است.
- (۲) به‌کار گرفتن گرد یتیمی، لازمه عمارت گوهر است؛ چنان‌که آبادانی دل نیز از درد عشق است.
- (۳) همچنان که برای شفاف کردن مروارید، آن را خاکستر سود می‌کنند، دل را با غم عشق صیقل می‌زنند.
- (۴) دل باید در راه عشق، درد و غم تحمل کند تا گرامی و گرد یتیمی از او زایل شود.

۴۷- «دست باز داشتن از شبهت‌ها و ترک مالایعنی» به کدام معنا است؟

- (۱) وزع
- (۲) زهد
- (۳) توبه
- (۴) عزلت

۴۸- عبارت زیر در توصیف کدام یک از وجوه ملامت است؟

«وی را از ملامت خلق باک نباشد و اندر همه احوال بر سر رشته خود باشد. به هر نام که خوانندش، و را یکی باشد.»

- (۱) آزاد بودن
- (۲) قصد کردن
- (۳) ترک کردن
- (۴) راست رفتن

۴۹- با توجه به جمله «و دیار دثار انوار و ازهار درسرگرفت.» کدام گزینه درست است؟

- (۱) اوضاع زمانه دگرگون گشت.
- (۲) زمین جامه زیبایی بر تن کرد.
- (۳) زمین پر از گل و شکوفه شد.
- (۴) اوضاع مملکت سر و سامان یافت.

- ۵۰- در عبارت زیر مقصود از «صحیفه متلمس» چیست؟
 «مجیرالملک مکتوب او را که صحیفه متلمس بود، بدو داد که اِقرأ کتابک.»
 (۱) نامه سری (۲) نامه هلاک
 (۳) نامه سرگشاده (۴) نامه درخواست
- ۵۱- «این دایه» در عبارت زیر به کدام معنی است؟
 «اطفال شیرخواره را پستان مُنیت در دهان حیات نهادند و دایه از این دایه ترتیب داد.»
 (۱) باز (۲) کلاغ (۳) کرکس (۴) عقاب
- ۵۲- مفهوم جمله «عرض من از معارض و ملاپس تلبیس مستغنی [است]»، کدام است؟
 (۱) آبروی من از آلودگی به نیرنگ و فریب به دور است. (۲) رفتارم مرا از نیرنگ و فریب بی‌نیاز می‌کند.
 (۳) ریاکاری نمی‌تواند آبروی مرا حفظ کند. (۴) آبرویم پنهان‌کاری را اقتضا می‌کند.
- ۵۳- مفهوم جمله «بشاعت آن در مذاق خرد اثر کند»، چیست؟
 (۱) سیری عقل را زایل می‌کند. (۲) مذاق خرد آن را پس می‌زند.
 (۳) ناگواری آن، خرد را بیمار می‌کند. (۴) بویناکی آن برای خرد خوشایند نیست.
- ۵۴- با توجه به عبارت زیر کدام گزینه درست است؟
 «رحمت از سدنۀ خوابگاه استراحت اوست و رضوان از خزنة خلوت سرای سلوت او.»
 (۱) سدنۀ: پرده‌دار (۲) خزنه: خزانۀ‌دار
 (۳) سلوت: تسلیم (۴) رضوان: خشنودی
- ۵۵- از نظر عزالدین کاشانی به چه دلیلی «بنای احوال عالیّه بر محبت است؛ همچنان که بنای جمیع مقامات شریفه بر توبت» است؟
 (۱) محبت مبنای احوال است؛ همچنان که توبت مبنای مقامات است.
 (۲) محبت مانند احوال دیگر، در معرض زوال است و توبت همانند مقامات دیگر، پایدار.
 (۳) محبت از مقامات است و مقامات مبنای احوال؛ همچنان که توبت از احوال است و احوال مبنای مقامات.
 (۴) محبت از احوال است و احوال جمله از مواهباند و توبت از مقامات است و مقامات جمله از مکاسباند.
- ۵۶- مفهوم عبارت زیر در کدام گزینه آمده است؟
 «پسندیده‌تر سیرتی ملوک را آن است که ... در هیچ وقت اخلاق خود را از لطفی بی‌ضعف و عنفی بی‌ظلم خالی نگذارند.»
 (۱) نرمی و تندخویی در اخلاق ملوک نباید از روی عجز و ستم باشد.
 (۲) ملوک باید در اخلاق خود نرمی زیاد و ستیزه‌جویی کم داشته باشند.
 (۳) در اخلاق ملوک باید نرمی زیاد و سخت‌گیری دادگرانه باشد.
 (۴) در اخلاق ملوک نرمی به توانگران و درشتی به ستمدیدگان ناپسند است.

* متن زیر را بخوانید و به پرسش‌های ۵۷ تا ۶۰ پاسخ دهید.

آن قلعه‌ای بود که هنگام استیلای آن طایفه، پدرش علاءالدین به کفات و ارکان اشارت کرده بود تا مدت دوازده سال قلال و تلال آن جبال را مطالعه می‌کردند تا آن کوه سرافراز را اختیار کردند و بر قلّه آن که چشمه آب در دهان و دوسه دیگر بر کمرگاه داشت قلعه میمون‌دز آغاز نهادند و فصیل و دیوارها را به گچ و سنگ ریخته ساختند و از ماورای آن به مقدار یک فرسنگ جویی چون جوی ارزیز برکشیدند و آب در اندرون آوردند و در آن موضع از افراط سرما حیوان را از ابتدای خریف تا میان بهار امکان آرام و مکان مقام میسر نه و بدین سبب در خیال آن که جبال آن را که بر یکدیگر مُلتوی بود عقاب در عقاب نکول می‌کرد و نخچیر در پایه آن عدول می‌جست، از غایت رفعت آن مکان ابنای آدم بدان تعدی یابند.

۵۷- کدام گزینه در باب اوصاف قلعه توصیف شده درست است؟

(۱) مساحت قلعه یک فرسنگ بود. (۲) دور تا دور قلعه خندق کنده بودند.

(۳) درون خندق را از ارزیز پر کرده بودند. (۴) برج‌هایی دور تا دور قلعه ساخته بودند.

۵۸- منظور از «آن طایفه» در متن فوق، چه کسانی است؟

(۱) علویان (۲) دیلمیان (۳) خوارزمشاهیان (۴) اسماعیلیان

۵۹- کدام گزاره از متن، استنباط نمی‌شود؟

(۱) درون قلعه چشمه آبی وجود داشت. (۲) ساخت قلعه دوازده سال به طول انجامید.

(۳) محاصره و تسخیر قلعه بسیار دشوار می‌نمود. (۴) قلعه در کوهستان صعب‌العبور بنا شده بود.

۶۰- کدام عبارت به اقتضای متن درست است؟

(۱) عقاب از رسیدن به بلندی برج و باروی قلعه پر می‌ریخت.

(۲) حیوانات از ابتدای پاییز تا اواسط بهار در قلعه محبوس می‌شدند.

(۳) از اوایل پاییز تا اواسط بهار با وجود سرما، ملاحظه در قلعه پناه می‌گرفتند.

(۴) از اوایل پاییز تا اواسط بهار، قلعه استراحتگاه وحوش و نخچیران بود.

۶۱- کدام گزینه به مفهوم عبارت زیر نزدیک است؟

«امیر جیوش را مطوعانه به توقع جامگی و اقطاع، و نه به انتظار دخل و ارتفاع»

(۱) از امیر جیوش برای حقوق و دریافت زمین و به انتظار درآمد و سود اطاعت نمی‌کنند.

(۲) امیر جیوش برای حقوق و زمین و به انتظار درآمد و سود از پادشاه اطاعت نمی‌کند.

(۳) از امیر جیوش برای افزایش حقوق و دریافت زمین و به انتظار درآمد و بخشش خراج اطاعت نمی‌کنند.

(۴) امیر جیوش برای افزایش حقوق و دریافت زمین و به انتظار درآمد و بالا رفتن رتبه از پادشاه اطاعت نمی‌کند.

۶۲- کدام اصطلاح عرفانی درست معنی شده است؟

(۱) اصطلاح: تأثیر انوار حق باشد به حکم اقبال به دل مقبلان.

(۲) تجلی: اعراض باشد از اشغال مانعه مربنده را از خداوند به حکم تشریف عنایت.

(۳) اختیار: امتحان دل اولیاست به گونه‌گونه بلاها که از حق تعالی بدان آید از خوف و حزن.

(۴) تجلی: غلبات حق بود که کلیت بنده را مقهور خود گرداند به امتحان لطف اندر نفی ارادتش.

۶۳- معنای ترکیب فعلی «بد افتادن از» در عبارت زیر چیست؟

«ششم عفت است باید که عقیف‌النفس باشد تا مرید را از وی بد نیفتد و فساد ارادت پدید نیارد.»

(۱) بیزار شدن (۲) متضرر شدن (۳) به‌گناه افتادن (۴) سوءظن یافتن

- ۶۴- معنای بی‌خردگی در عبارت زیر چیست؟
 «چون تو برگرفتی هم تو بدار، ما را با ما بنگذار و بدین بیخردگی معذوردار ...»
 (۱) گستاخی (۲) گناهکاری
 (۳) کم‌خردی (۴) کوچکی و حقارت
- ۶۵- کدام گزینه درباره عبارت زیر درست است؟
 «اگر این حواله راست است، موقع اختزال اندر آن به کفران نعمت و دلیری بر سبک‌داشت مخدوم بدان مقرون است.»
 (۱) دلیری بر سبک‌داشت مخدوم شبیه کفران نعمت و اختزال است.
 (۲) اختزال با کفران نعمت و دلیری بر سبک‌داشت مخدوم همراه است.
 (۳) دلیری بر سبک‌داشت مخدوم به کفران نعمت پیوسته‌تر است تا به اختزال.
 (۴) اختزال به کفران نعمت نزدیک‌تر است تا به دلیری بر سبک‌داشت مخدوم.
- ۶۶- کدام گزینه، مفهوم عبارت زیر را در بردارد؟
 «به حکایت صفت همان دوستی حاصل آید که به مشاهدت صورت.»
 (۱) لیس الخیر کالمعاینه. (۲) به دیدن فزون آمد از آگهی.
 (۳) فلما التقینا صغر الخبر الخبر. (۴) والأذن تعشق قبل العين أحياناً.
- ۶۷- مفهوم عبارت زیر در کدام مثل آمده است؟
 «هیچ مشاطه جمال عفو و احسان مهتران را چون زشتی جرم و جنایت کهتران نیست.»
 (۱) والضد یبرز حسنه الضد. (۲) ضدان لما اجتماعا حسنا.
 (۳) إن الحسان مظنة للخس. (۴) وفي الشر نجات حين لا ينجيك احسان.
- ۶۸- عبارات زیر در توصیف کدام مرتبه از مراتب تقرب بنده به حق تعالی است؟
 «و آن حاضر آمدن بود به صفت بیان اندر حال بی‌سبب تأمل و راه جستن، و دواعی شک را بر وی دستی نبود و از نعت غیب بازداشته نبود خداوند آن مبسوط بود به صفات او، و صاحب آن را علمش نزدیک کند.»
 (۱) مشاهده (۲) مکاشفه
 (۳) محاضره (۴) مرافیه
- ۶۹- اولین مجموعه شعر نیمایی را کدام شاعر و به چه نامی منتشر کرد؟
 (۱) منوچهر شبانی - جرقه (۲) تندرکیا - نهیب شاهین
 (۳) محمد مقدم - راز نیمه شب (۴) اسماعیل شاهرودی - آخرین نبرد
- ۷۰- کدام مورد درباره شعر «کانکریت» درست است؟
 (۱) نوعی شعر است که زمان و مکان در آن برجسته می‌شود.
 (۲) نوعی شعر است که از بازی‌های زبانی - بصری پرهیز می‌کند.
 (۳) نوعی شعر است که جنبه دیداری - گرافیکی آن برجسته می‌شود.
 (۴) نوعی شعر است که بر نساویر ذهنی - انتزاعی تأکید می‌کند.

- ۷۱- طالبوف، آخوندزاده، مراغه‌ای و میرزا حبیب اصفهانی هر کدام به ترتیب در چه زمینه‌ای مشهورند؟
 (۱) داستان اجتماعی، سفرنامه تخیلی، رمان تاریخی، ترجمه
 (۲) رساله‌های آموزشی، نمایشنامه‌نویسی، سفرنامه تخیلی، ترجمه
 (۳) رمان تاریخی، نمایشنامه‌نویسی، رمان اجتماعی، سفرنامه‌نویسی
 (۴) سفرنامه تخیلی، رمان اجتماعی، نمایشنامه‌نویسی، رسانه‌های آموزشی
- ۷۲- پیشگامان نقد ادبی در دوره معاصر در کدام گزینه آمده است؟
 (۱) تقی رفعت - علی دشتی - خانلری
 (۲) آخوندزاده - فاطمه صیاح - ملک الشعرای بهار
 (۳) زین العابدین مراغه‌ای - رضا براهنی - عبدالعلی دستغیب
 (۴) ابوالقاسم لاهوتی - ماشاءاله آجودانی - اسماعیل نوری علا
- ۷۳- کدام اثر، قدیم‌ترین حماسه دینی محسوب می‌شود؟
 (۱) علی‌نامه (۲) خاوران‌نامه (۳) حمله حیدری (۴) افتخارنامه حیدری
- ۷۴- کدام اثر از شیخ ابوالنجیب سهروردی در تبیین سازگاری فلسفه با دین نوشته شده است؟
 (۱) اعلام التقی (۲) حکمة الاشراق
 (۳) المشارح و المطارحات (۴) رشف النصایح الایمانیه و کشف الفضائح الیونانیة
- ۷۵- درباره فعالیت ادبی ایرانیان در سه قرن نخست اسلامی کدام گزینه درست است؟
 (۱) بیشتر فعالیت ادبی ایرانیان، بر زبان پهلوی و دیگر زبان‌های ایرانی متمرکز بود.
 (۲) انتقال ادبیات ایران پیش از اسلام به دوره اسلامی در این سه قرن صورت گرفت.
 (۳) ایرانیان در این سه قرن، درگیر سازگاری با وضعیت جدید بودند و فعالیت ادبی نداشتند.
 (۴) ایرانیان، دو قرن نخست را به سکوت گذراندند و از قرن سوم به تولید آثار عربی پرداختند.
- ۷۶- حراهِ چیست و متعلق به کدام دوره تاریخ ادبی ایران است؟
 (۱) آوازهای عاشقانه به زبان عربی در قرن هشتم هجری
 (۲) آوازهای عاشقانه نواحی غرب ایران در قرن چهارم هجری
 (۳) نوعی شعر عامیانه با مضمون هجو در قرون نخستین اسلامی
 (۴) نوعی شعر عروضی به زبان پهلوی، مربوط به پیش از اسلام
- ۷۷- کدام گزاره عروضی، درست است؟
 (۱) فع از مفعولات منحور است.
 (۲) فاعلات از فاعلاتن مقصور است.
 (۳) فع لن از فعولن اصلم است.
 (۴) مفعولن از مستفعِلن مرفوع است
- ۷۸- بیت زیر در کدام وزن و بحر سروده شده است؟
 «چونک نکو ننگری جهان چون شد
 خیر و صلاح از جهان جهان چون شد»
 (۱) مفتعلن فاعلاتن مفعولن، منسرح
 (۲) فاعلات فاعلاتن مفتعلن، قریب
 (۳) فاعلات مفتعلن فاعلات، خفیف
 (۴) مفتعلن فاعلات مفتعلن، مقتضب
- ۷۹- شکل اصلی بحر قریب در کدام گزینه آمده است؟
 (۱) مستفعِلن فاعلاتن (۲) فاعِلین مفاعِلین فاعلاتن
 (۳) فاعلاتن مستفعِلن فاعلاتن (۴) مفعولات مستفعِلن (۲)

- ۸۰- براساس ضوابط علم قافیه، قافیه کدام بیت درست است؟
- (۱) چو مهنر بود بر تو رشک آوری
(۲) چه گفت آن خداوند تنزیل و وحی
(۳) پس مگو دنیا به تزویرم فریفت
(۴) یکایک از او یخت برگشته شد
- چو کهنر بود زو سرشک آوری
خداوند امر و خداوند نهی
ور نه عقل من ز دامنش می‌گریخت
به دست یکی بنده بر کشته شد
- ۸۱- در بیت‌های زیر، معانی حروف اضافه مشخص شده به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟
- «به لشکر توان کرد این کارزار
یا روی تو آفتاب دیدم
به مردی و رادی به گنج و گهر
سپاس از خداوند خورشید و ماه
- به تنها چه بر خیزد از یک سوار
خواب است ولیکن آن ندارد
ستون کیانم پدر بر پدر
که دیدم تو را زنده بر جایگاه»
- (۱) وسیله - مقابله - استعلا - ابتدا
(۲) استعانت - مقابله - ترتیب - اختصاص
(۳) استعانت - استعانت - ترتیب - ابتدا
(۴) مقابله - استعانت - ترتیب - اختصاص
- ۸۲- کدام مورد درباره تنازع در بیت زیر درست است؟
- «گر نثار قدم یار گرمی نکنم
گوهر جان به چه کار دگرم آید باز؟»
- (۱) بین مفعول و نهاد
(۲) بین مفعول و متمم
(۳) بین مفعول و مسند
(۴) بین مفعول و مضاف‌الیه
- ۸۳- زمان افعال مشخص شده در جمله‌های زیر، به ترتیب معادل کدام زمان‌ها در فارسی امروز است؟
- الف) این جایگاه بیامدم که گلبوی را می‌بینم و او را به فرخ روز می‌رسانم.
ب) سلطان مسعود داهی‌تر و بزرگ‌تر و دریافته‌تر از آن بود که تا خواجه احمد بر جای بود، وزارت به کس دیگر دادی.
ج) اگر شایستی همه به یک‌بار بر^{فتمانی} تا زود به خدمت شاه رسیدمانی.
د) در اواخر شهر ربیع‌الاول مسرعان را بازگردانیده آمد و بر زبان ایشان در هر معنی پیغام‌ها ارسال افتاد.
- (۱) مضارع اخباری - مضارع اخباری - ماضی مستمر - ماضی ساده (معلوم)
(۲) مضارع اخباری - ماضی استمراری - ماضی مستمر - ماضی نقلی (مجهول)
(۳) مضارع التزامی - ماضی مستمر - ماضی استمراری - ماضی نقلی (معلوم)
(۴) مضارع التزامی - مضارع التزامی - ماضی استمراری - ماضی ساده (مجهول)
- ۸۴- کدام مورد درباره «نظریه دریافت» درست است؟
- (۱) در نظریه دریافت، خواننده می‌کوشد تا نیت مؤلف و معنای موردنظر او را بازسازی کند.
(۲) عمل خواندن، معادل با کشف معنای متن نیست بلکه فرایند تجربه تأثیر متن بر خواننده است.
(۳) اثر ادبی، جوهری فراتاریخی است و خواننده به مقدار افق انتظارات خود چیزی از نیت مؤلف درمی‌یابد.
(۴) نظریه دریافت در تأویل متن بر نقش خواننده تمرکز می‌کند و به نقش‌های دیگر بی‌اعتناست.
- ۸۵- مفاهیم سه گانه «ترتیب»، «تداوم» و «بسامد» در نظریه کدام نظریه پرداز طرح شده است؟
- (۱) ژرار ژنت (۲) جانائان کالر (۳) میخائیل باختین (۴) تزوانان تودورف
- ۸۶- کدام نظریه‌های ادبی را در یک خانواده می‌توان جای داد؟
- (۱) هرمنوتیک، فرمالیسم، ساختارگرایی
(۲) ساختارگرایی، یدیدارشناسی، فرمالیسم
(۳) نقد خواننده محور، فرمالیسم، یدیدارشناسی
(۴) هرمنوتیک مدرن، نقد خواننده محور، یدیدارشناسی

۸۷- کدام مورد دربارهٔ فرمالیسم نادرست است؟

- (۱) فرمالیسم کاربرد زبان‌شناسی (نوعی زبان‌شناسی صوری) در مطالعات ادبی است.
- (۲) نوع ساختارگرایانه‌تر فرمالیسم که یاکوبسن و تینیانوف مبتکرش بودند و در فرمالیسم چک ادامه یافت.
- (۳) فرمالیسم ما را از واقع شدن در مغالطه نیت / قصد برحذر می‌دارد و بر توجه به خود متن تأکید دارد.
- (۴) فرمالیسم ابتدا شعر را کلیتی متشکل از تمهیدات می‌دانست اما در مرحله بعد به کارکردها روی آورد.

۸۸- در بیت‌های زیر به ترتیب کدام صنعت ادبی دیده می‌شود؟

- | | |
|---------------------------------------|---|
| الف) موهرم باید که گردد آشکار | مرد بی‌گوه‌ر کجا آید به کار |
| ب) خانه نفس است خلد پر هوس | خانه دل مقعد صدق است و بس |
| ج) صاحب سر سلیمان آمدی | از تفاخر تاج‌ور زان آمدی |
| د) کوه را هم تیغ داد و هم کمر | تا به سرهنگی او افراخت سر |
| (۱) تمثیل، اقتباس، تلمیح، ایهام | (۲) ایهام، تنسیق الصفات، استدراک، استخدام |
| (۳) ایهام، اقتباس، حسن تعلیل، استخدام | (۴) تجرید، تلمیح، حسن تعلیل، ایهام |

۸۹- معنای بلاغی حرف «ی» در کلمهٔ تماشایی چیست؟

- | | | |
|-------------------------------------|-------|-----|
| «مکدر است دل آتش به خرقه خواهیم زد» | تأکید | (۱) |
| «بیا بین که کرا می‌کند تماشایی» | تقلیل | (۲) |
| | تفخیم | (۳) |
| | تعریض | (۴) |

۹۰- کدام نکتهٔ بلاغی دربارهٔ بیت زیر درست است؟

- | | | |
|--------------------------|-----------|-----|
| «شب چو عقد نماز می‌بندم» | اعتراض | (۱) |
| «چه خورد بامداد فرزندم» | مساوات | (۲) |
| | ایجاز حذف | (۳) |
| | ایجاز فصر | (۴) |

۹۱- معنای ثانویه جملهٔ امر در کدام گزینه درست است؟

- | | |
|---|---|
| (۱) بر لب بحر فنا منتظریم ای ساقی | فرستی دان که ز لب تا به دهان این همه نیست = تعجیز |
| (۲) در کوی نیک‌نامی ما را گذر ندادند | گر نو نمی‌پسندی تغییر کن فضا را = تعریض |
| (۳) فرصت شمر طریقهٔ رندی که این نشان | چون راه گنج بر همه کس آشکاره نیست = درخواست |
| (۴) هر که خواهد گو بیا و هر چه خواهد گو بگو | کبر و ناز و حاجب و دربان بدین درگاه نیست = بیان اذن |

۹۲- نوع استعارهٔ کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

- | | |
|------------------------------------|-----------------------------|
| (۱) به گل خورشید را پوشیده می‌داشت | سر خم بر می جوشیده می‌داشت |
| (۲) به لاله تخته گل را تراشید | به لؤلؤ گوشه مه را خراشید |
| (۳) ز سنبل کرد بر گل مشک بیزی | ز نرگس بر سمن سیماب ریزی |
| (۴) سمن را از بنفشه طرف بر بست | رطب‌ها را به زخم ارغوان خست |

۹۳- نوع تشبیه کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

- | | |
|--|------------------------------------|
| (۱) به بزمگاه چمن دوش مست بگذشتم | جو از دهان توام غنچه درگمان انداخت |
| (۲) ز شرم آنکه به روی تو نسبتش کردم | سمن به دست صبا خاک در دهان انداخت |
| (۳) بنفشه طرهٔ مفتول خود گره می‌زد | صبا حکایت زلف تو در میان انداخت |
| (۴) خمی که ابروی شوخ تو در کمان انداخت | به قصد جان من زار ناتوان انداخت |

۹۴- کدام کنایه مشخص شده با تعریف «الکنایه لفظ اريد به لازم معناه مع جواز اراده معه» مطابقت دارد؟

- (۱) بگفت آنچه دانست و بایسته گفت
- (۲) بیا تا برآریم دسني ز دل
- (۳) بسی کشتی جان بر خشک راندی
- (۴) چو با عدل در صدر خواهی نشسته

۹۵- در کدام بیت، نوع کنایه متفاوت است؟

- (۱) ای خلیفه زاده بی‌معرفت
- (۲) بیا که وقت بهارست تا من و تو به هم
- (۳) صید بیابان سر از کمند پیچد
- (۴) تا به گریبان نرسد دست مرگ

۹۶- کدام گزاره درباره قالب‌های شعر فارسی درست است؟

- (۱) رباعی دوازده شجره دارد.
- (۲) مقتضب نام نوعی قصیده است.
- (۳) تمام قالب‌های شعر فارسی از قصیده پدید آمده‌اند.
- (۴) چهارپاره قالبی است با وزن دو بینی که در قافیه تنوع دارد.

۹۷- معنی ثانویه کدام جمله خبری متفاوت است؟

- (۱) منم که شهره شهرم به عشق ورزیدن
- (۲) غلام حافظ خوش لهجه خوش آوازم
- (۳) عاشق و رند و نظر بازم و می‌گویم فاش
- (۴) من آن دلق مرقع را بخوام سوختن روزی

۹۸- از نظر سبک‌شناسی، توضیح دستوری کدام گزینه درست است؟

- (۱) فصلی خوانم از دنیای فریبنده به یک دست شکریاشنده و به دیگر دست زیرکشنده (استفاده از وجه وصفی به جای ماضی نقلی)
- (۲) رضای عالی بوسهل را دریافته بود و به درگاه باز آمده و به ندیمی نشسته (استفاده از فعل ماضی در محل مضارع)
- (۳) باید که وی نیز هم برین رود و میان دل را به ما می‌نماید و صواب و صلاح کارها می‌گوید (کاربرد وجه اخباری به جای وجه التزامی)
- (۴) و سیل قتلغ تگین ان است که برین فرمان کار کند اگر جانش به کار است و اگر محابایی کند، جانش رفت (کاربرد فعل اسنادی به جای وجه التزامی)

۹۹- با توجه به متن زیر کدام توضیح، مؤلفه سبک‌شناسی محسوب نمی‌شود؟

- «مردی بود که او را یعقوب جندی گفتندی، شریری، طماعی، نادرستی و به روزگار سامانیان یکبار وی را به رسولی به بخارا فرستاده بودند و بخواست که خوارزم در سر رسولی وی شود؛ اکنون نیز او را نامزد کرد و هر چند بوسهل و دیگران گفتند، سود نداشت.»

- (۱) کاربرد «گفتندی» به جای می‌گفتند.
- (۲) کاربرد «نامزد کردن» در معنی انتخاب کردن.
- (۳) کاربرد اعلامی همانند خوارزم و بوسهل
- (۴) کاربرد صفت با فاصله از موصوف مثل شریری

۱۰۰- در کدام بیت از نظر صور خیال مشخصه‌های سبک خراسانی نمایان است؟

- (۱) لب او بینی گویی که کسی زیر عقیق
- (۲) اندر هوا شهاب تو گفتی همی رود
- (۳) کردار تو در جسم جوانمردی جان است
- (۴) خاک چون اشکال اقلیدس شد از شاخ گوزن

- (۱) با میان دو گل اندر شکری پنهان کرد
- (۲) در پیکر شیاطین ارواح انبیا
- (۳) دیدار تو در چشم خردمندی دید است
- (۴) در بر هر شکل حرفی از خدنگ جان‌ستان

